

# قصه‌های مدرن برای بچه‌ها



- عنوان کتاب: قمقمه آب (فاطمه و نقاشی هایش)
- نویسنده: ابراهیم حسن بیگی
- تصویرگر: مهدی نوری
- ناشر: محراب قلم
- نوبت چاپ: اول - ۱۳۷۸
- شمارگان: ۵۵۰۰ نسخه
- تعداد صفحات: ۲۴ صفحه
- بها: ۳۰۰ تومان

## ○ کیوان امجدیان

سوژه در آن قرار دارد. در داستان قمقمه آب، نویسنده از همان آغاز و با استفاده از بیان توصیفی مدرن، نوع کار خود را آشکار می‌کند و از شکل‌گیری اثری مدرن برای کودکان خبر می‌دهد. داستان، دقیقاً با توصیف‌های «جزء به کل» شروع می‌شود. «فاطمه توی اتاق نشسته بود. دفتر نقاشی‌اش کنارش بود. فاطمه فکر می‌کرد. او دلش می‌خواست یک نقاشی قشنگ بکشد. آن وقت آن را کنار عکس پدر بگذارد. عکس پدر توی طاقچه بود. پدر کنار مسجد خرمشهر ایستاده بود و لبخند می‌زد. خانه‌های اطراف ویران شده بودند.»

همان‌طور که ملاحظه می‌شود در اولین تصویر، فاطمه قرار دارد که سوژه اصلی است. پس از آن، نگاه گسترده‌تر می‌شود و بر جزئیات صحنه، افزوده می‌گردد. هم‌چنین، علاوه بر مورد مذکور، توصیف‌ها در داستان «قمقمه آب» پررنگ و اثرگذار و تصویری هستند. در همان مثال قبل، اگر دقت کنیم، تصاویر عبارتند از:

الف) پدر که کنار مسجد ایستاده است و لبخند می‌زند  
ب) خانه‌های ویران اطراف مسجد  
ج) جای گلوله روی دیوارهای مسجد.

به این ترتیب، نویسنده، با تکیه بر تجربیات خود و با استفاده از کمترین کلمات و مختصرترین جملات، توصیف‌های خوبی خلق کرده است. در مثالی دیگر که نویسنده با استفاده از توصیف، شخصیت‌پردازی کرده است: «به عکس پدر نگاه کرد. پدر تفنگ داشت. قمقمه داشت. پیشانی بند داشت و بوتین پوشیده بود.»

آشنایی با زبان مخاطب معمولاً کودکان، چون هنوز دایره واژگان محدودتری دارند، از توانایی کمتری در تجزیه و تحلیل و یا ترکیب

«نگاه دوربین» جای خود را بین سایر شیوه‌ها باز کرد و با استقبال زیادی مواجه شد.

هر چند، استفاده از این شیوه‌ها، امروزه در کشور ما نیز متعارف شده و از حالتی شخصی و خصوصی خارج گشته، اما چنین رویکردی فقط در داستان‌های مخصوص مخاطب بزرگسال به چشم می‌خورد و قصه‌هایی، از این روش سود می‌برند که دارای پیچیدگی‌ها و افت و خیزهای سرگیجه‌آور باشند. البته، در میان نویسندگان مدرن و شناخته شده جهانی، کسانی چون جیمز جویس که داستان کودکانه «پیشی و شیطانک» او به فارسی ترجمه شده است و نیز در میان نویسندگان کشور ما افرادی از جمله نویسنده کتاب مورد بحث، علی‌رغم مشکلات زیاد، مثل محدودیت در استفاده از طرح‌های پیچیده و بهره‌گیری از ابداعات نگارشی، کوشیده‌اند داستان‌های مدرنی برای مخاطبان کودک بنویسند.

### توصیف: ویژگی نخست

از ویژگی‌های داستان مدرن، نوع توصیف‌های مخصوص این گونه از داستان‌هاست. نوع توصیف در داستان مدرن، دقیقاً عکس توصیف در داستان کلاسیک است. در داستان کلاسیک، معمولاً نویسنده، برای توصیف، ابتدا از مکان عمومی و یا چیزی کلی که سوژه در آن قرار دارد، شروع می‌کند و پس از توصیف آن، دایره نگاه را تنگتر می‌کند و به توصیف عناصری که در آن محدوده قرار دارند، می‌پردازد و به همین ترتیب، این نگاه دقیق‌تر می‌شود تا سرانجام، دقیقاً روی سوژه اصلی متمرکز می‌گردد. اما در داستان‌های امروزی، معمولاً نویسنده از جزئیات شروع می‌کند و بعد دایره نگاه را کم کم وسیع می‌کند و آخرین تصویر یا به عبارتی توصیف پایانی، مکانی عمومی است که

پیش از پرداختن به چند و چون کتاب و نقاط قوت و ضعف‌های احتمالی آن، ابتدا داستان را با هم مرور می‌کنیم.

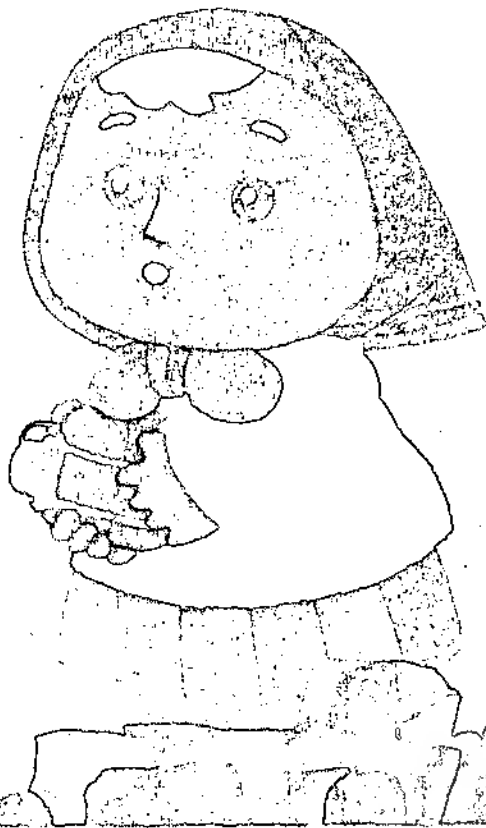
### خلاصه داستان

فاطمه می‌کوشد از روی عکس پدر، نقاشی بکند. پدر با لباس رزم، در کنار مسجد خرمشهر، ایستاده است. فاطمه در گوشه‌ای از عکس، متوجه قمقمه آب می‌شود. قمقمه در ذهنش، بزرگ و بزرگ‌تر می‌شود. آن را بر می‌دارد و به قصد یافتن صاحب آن، به درون عکس سفر می‌کند. فاطمه، سنگر به سنگر، در پی صاحب قمقمه می‌گردد و سرانجام، سرهنگی عراقی، قمقمه را به زور از او می‌گیرد، آب را می‌خورد و تصمیم می‌گیرد فاطمه را بکشد. در این هنگام، یک جوان بسیجی، سرهنگ عراقی را با تیر می‌زند و بعد، از دختر می‌خواهد به خانه‌اش برگردد و قمقمه را همان‌جا بگذارد تا صاحبش آن را بیابد. چهره این جوان بسیجی که لباس رزم پوشیده، برای فاطمه خیلی آشناست؛ درست مثل چهره پدر.

### داستان‌های مدرن

از عواملی که موجب پیدایش و سپس، شتاب جریان مدرنیسم و داستان‌های مدرن شد، ورود صنعت سینما به عرصه رقابت با داستان بود. بدین‌سان، هم‌زمان با گسترش و پیشرفت صنعت سینما، انتظارات مردم از داستان نیز بیشتر شد و در این رقابت و تعامل، شگردهای سینمایی، تأثیر فراوانی بر داستان معاصر گذاشت. بدین‌سان، علاوه بر ویژگی‌های دیگر داستان‌های مدرن، استفاده از تکنیک‌های تصویری و سینمایی نیز به سوژه مورد علاقه داستان‌نویسان تبدیل شد. تکنیک‌هایی چون فلاش بک، حرکت آهسته فیدها، مونتاژ و ... حتی شیوه‌ای از قصه‌گویی نیز به نام

در داستان قمقمه آب، نویسنده از همان آغاز و با استفاده از بیان توصیفی مدرن، نوع کار خود را آشکار می‌کند و از شکل‌گیری اثری مدرن برای کودکان خبر می‌دهد



تصویرگر کتاب کوشیده تا در نقاشی‌ها علی‌رغم سادگی و شباهت آنها به نقاشی‌های کودکان، از اصول نقاشی‌های مدرن هم چون «انتقال زاویه دید از منظر تخت به نظرگاه‌های دیگر ص ۱۸ و جداسازی از طریق تغییر غلظت رنگ در یک بافت واحد (مثلاً در لباس‌ها و چین و چروک آنها)» ص ۱۹ استفاده کند. همچنین، ویژگی دیگر نقاشیهای این کتاب، استفاده از رنگ‌های شاد و زنده به جای رنگ‌های ساکن و کدر است. مثل رنگ‌های مورد استفاده در نقاشی مسجد خرمشهر ص ۵ که در آن، از رنگهای صورتی، نارنجی، سبز و زرد استفاده شده است



کرد. آسمان بالای سرش بود.»  
نقاشی‌های مدرن

از مهم‌ترین اصول در نقاشی و خصوصاً کتاب‌های مربوط به مخاطب کودک، لزوم همخوانی نقاشی‌ها با داستان است. در مورد کتاب «قمقمه آب» این امر مشخص است که تصویرگر کتاب، آن را مطالعه کرده و درک درستی از آن داشته است. بدین لحاظ، کوشیده تا در نقاشی‌ها علی‌رغم سادگی و شباهت آنها به نقاشی‌های کودکان، از اصول نقاشی‌های مدرن هم چون «انتقال زاویه دید از منظر تخت به نظرگاه‌های دیگر ص ۱۸ و جداسازی از طریق تغییر غلظت رنگ در یک بافت واحد (مثلاً در لباس‌ها و چین و چروک آنها)» ص ۱۹ استفاده کند. همچنین، ویژگی دیگر نقاشیهای این کتاب، استفاده از رنگ‌های شاد و زنده به جای رنگ‌های ساکن و کدر است. مثل رنگ‌های مورد استفاده در نقاشی مسجد خرمشهر ص ۵ که در آن، از رنگهای صورتی، نارنجی، سبز و زرد استفاده شده است.

استفاده از فرم‌های بصری زیبا و مبتکرانه نیز از ویژگی‌های تصاویر این کتاب است. مثل قرار دادن تصویر مسجد خرمشهر در داخل دفترچه‌ای سیمی «ص ۵». هم‌چنین، استفاده از طنزهای تصویری، کمک به سزایی به هماهنگ شدن تصاویر و محتوا کرده است. طنزهایی، مثل طنز تصویری (ص ۱۰) که کلاه رزمندگانه‌ی سوراخ شده است و در کنار آن نوشته شده «ورود ترکش ممنوع!»

به هر روی، تلاش نویسنده و تصویرگر در ارائه داستانی مدرن برای کودکان، قابل تقدیر است. امید که در آینده شاهد خلق آثار بسیاری در این قالب باشیم و سنت شکنی در میان نویسندگان کودک و نوجوان نیز شایع گردد.

۲. مضحک: «سرهنگ عراقی دستش را به طرف فاطمه دراز کرد و گفت «ما ... ما» فاطمه خنده‌اش گرفت.»

۳. عبوس: «چشم‌هایش اصلاً مهربان نبودند. با عصبانیت حرف‌هایی زد که فاطمه معنی آنها را نفهمید.»

۴. درنده خو و حیوان صفت: «سرهنگ عراقی، قمقمه آب را به طرف فاطمه پرت کرد. فاطمه آن را برداشت و خواست فرار کند ...»

تکنیک‌های سینمایی  
نویسنده این داستان با تمعد و آگاهی و به قصد ایجاد نوعی داستان مدرن کودکان، سعی کرده است علاوه بر ویژگی‌های ذکر شده، از یک ویژگی مهم دیگر داستان مدرن سود جوید و آن، استفاده از تکنیک‌های تصویری است. از تکنیک‌های مذکور که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. Jump cut (پرش‌های پیوسته): در مرحله مونتاژ فیلم، کارگردان، برخی از فواصل یک نمای طولانی و پیوسته را حذف می‌کند و به این دلیل، حرکت سوژه مورد نظر، به صورت پرشی متصور می‌گردد.

«عکس را برداشت و به چشم‌هایش نزدیک و نزدیک‌تر کرد. چیزی که کنار دیوار افتاده بود، بزرگ و بزرگتر شد. یک قمقمه آب بود.»

۲. فید (Out, in): [تاریک و روشن شدن تدریجی تصویر]

«صدای چند گلوله در هوا پیچید. فاطمه لرزید و روی زمین افتاد. چشم‌هایش را بست و آماده پرواز به آسمان شد. لحظه‌ای گذشت. فاطمه چشم‌هایش را باز

جملات بر خوردارند. لذا باید کتابی که برای این مخاطبان نوشته می‌شود، دارای دو ویژگی مهم باشد:

۱. استفاده از کلمات ساده  
۲. به کارگیری جملات کوتاه

در داستان «قمقمه آب» نیز، نویسنده، به جای استفاده از جملات طولانی و به کارگیری نتایج اضافات و صنایع ادبی در نگارش، از جملات کوتاه، پرتحرک سود جسته است. مثلاً به جای این جمله طولانی «فاطمه در دفتر نقاشی، عکس مسجد، پدر و خانه‌های ویران شده را کشید»، می‌نویسد: «فاطمه مشغول کشیدن نقاشی شد. مسجد را کشید، پدر را کشید. خانه‌های ویران شده اطراف را کشید و ...»

شخصیت‌پردازی کلاسیک

در داستان‌های مدرن که برای مخاطب بزرگسال نوشته می‌شود، معمولاً شخصیت‌ها، به جای سیاه سیاه یا سفید سفید، خاکستری هستند، اما در داستان مدرن کودکان، این امر باعث بروز مشکلی جدی می‌شود و آن این که «شخصیت خاکستری، برای مخاطب کودک قابل لمس نیست و لذا جذابیت از داستان گرفته می‌شود.» از همین رو، نویسنده در کتاب مورد بحث، از روش شخصیت‌پردازی کلاسیک سود جسته است و شخصیت‌های داستان او به شدت سیاه و سفیدند.

الف) شخصیت‌های سفید:

پدر: لبخند می‌زند تفنگ دارد. قمقمه دارد، پیشانی‌بند دارد و پوتین پوشیده است. رزمندگان لبخند به لب دارند. راستگو هستند و امانتدار.

ب) شخصیت‌های سیاه:

سرهنگ عراقی که دارای این ویژگی‌هاست:  
۱. مستاصل: «در میان خرابه‌ها مردی روی زمین افتاده بود. پایش تیر خورده بود و ناله می‌کرد.»